



نمای سردر ورودی
بست بالا خیابان
سال ۱۳۵۵

● زیارت به قصد ادای نذر

آن‌هایی که در روستاهای اطراف مشهد ساکن بودند، گاهی برای خرید یا انجام کاری به مشهد می‌آمدند و مقید بودند در آن سفرها حتماً سلامی هم به حضرت بدهند و زیارتی کنند؛ اما گاهی هم صرفاً به قصد زیارت می‌آمدند. آنجا دیگر ماجرا فرق می‌کرد. عمدتاً نذر می‌کردند و وقتی حاجت‌روا می‌شدند، می‌آمدند به زیارت. این سفر قصه‌اش فرق می‌کرد. در این سفرها حتماً همان‌جا در روستا غسل می‌کردند و مقید بودند بهترین لباس‌هایشان را بپوشند. این را هم دقت داشته باشید که آن موقع، وضع مردم چه در شهر و چه در روستا، جوری نبود که همیشه لباس مناسب داشته باشند. بیشتر لباس‌ها کهنه و وصله‌پینه بود. خیلی کم می‌دید کسی لباس مرتب تنش باشد. با وجود این همه وقتی به زیارت می‌آمدند سعی می‌کردند خودشان را پاک و پاکیزه کنند و بهتر این لباس‌هایی را که دارند بپوشند.

● آداب و رسوم زیارت در مشهد قدیم

رسم بود آن‌هایی که سفر کر بلا یا سفر خانه خدا مشرف می‌شدند، وقتی از سفرشان برمی‌گشتند، پیش از آنکه بروند خانه، حتماً به حرم مطهر مشرف می‌شدند. رسم بود همراه چاوشی خوانی هم مشرف شوند. حاجی یا کر بلائی، همراه همان‌هایی که برای استقبال آمده بودند و همراه چاوشی، می‌رفتند حرم مطهر. زیارتی می‌کردند و روضه‌ای می‌شنیدند و بعد از آن بود که می‌آمدند خانه پیش اهل و عیالشان. آن موقع‌ها مردها در محله‌های اطراف حرم مطهر مقید بودند نماز صبح‌ها را در حرم بخوانند. من هم گاهی با پدرم صبح‌های سحر می‌رفتیم حرم. آنجا دیگر معمولاً زن نمی‌دیدیم. مردها بودند فقط. رسم بود در تشریف به حرم مطهر، از پایین یا وارد روضه منوره شوند. از هر جایی که وارد حرم مطهر می‌شدند، ترجیح می‌دادند از پایین پا مشرف شوند. جاهای دیگری هم بود و کفش‌کن داشت اما کفش‌کن پایین پا در صحن نو، همیشه شلوغ بود.

● درهای حرم همیشه باز بود

موقعی که من بچه بودم، سیستم برق، برق شهری آمده بود. اما گاهی هم از شمع استفاده می‌شد. یادم می‌آید می‌دیدم گاهی خدام چهارپایه‌ای گذاشته‌اند و شمع‌های لوسترها یا جاها را روشن می‌کنند. میله‌ای بلند داشتند که سرش کج بود. مشعلی هم داشت که روشن می‌ماند. با آن، شمع‌ها را یکی یکی روشن می‌کردند.

مردها در محله‌های اطراف حرم مطهر، آن موقع‌ها مقید بودند که نماز صبح‌ها را در حرم بخوانند. من هم گاهی با پدرم صبح‌های سحر می‌رفتیم حرم. آنجا دیگر معمولاً زن نمی‌دیدیم. مردها بودند فقط

از موقعی که من یادم می‌آید، حرم شبانه‌روزی باز است. هر زائر و مسافری هم که جایی نداشت، می‌دانست حرم باز است. حتی سربازها که به مشهد می‌آمدند تا به محل خدمتشان بروند، معمولاً در حرم بیتوته می‌کردند. گاهی هم خوابشان می‌گرفت و چرتی می‌زدند و خدام بیدارشان می‌کردند، گاهی هم بیدارشان نمی‌کردند.

آن موقع زائران زن و مرد از هم جدا نبودند. در همه رواق‌ها هم آقایان بودند و هم خانم‌ها. خیلی هم عقیده داشتند که گرد ضریح مطهر بگردند و طواف کنند. فضای بالاسر حضرت هم فضای کوچکی بود و همین کوچک بودن فضا کار را سخت می‌کرد. بعدها در دوره تولیت آیت‌الله واعظ طبسی، فضای بالاسر را باز کردند.

● غوغای زیارت‌نامه‌خوان‌ها

عده زیادی، شاید ۱۵-۱۰ یا حتی ۲۰ نفر اطراف ضریح و در روضه منوره بودند که کارشان زیارت‌نامه‌خوانی بود. این‌ها از طرف خود آستان قدس تعیین می‌شدند. مردم آن دوره کمتر سواد داشتند و نمی‌توانستند زیارت‌نامه بخوانند. این بود که پول مختصری به زیارت‌نامه‌خوان‌ها می‌دادند و آن‌ها برایشان زیارت‌نامه می‌خواندند. خیلی هم قشنگ زیارت‌نامه می‌خواندند. با انواع دستگاه‌های آواز ایرانی می‌خواندند و لحنشان لحن شادی بود و حزن‌انگیز نبود. عده‌ای هم که سواد داشتند، خودشان زیارت‌نامه می‌خواندند؛ آن‌ها بلند بلند می‌خواندند تا اگر کسی سواد ندارد، زیارت‌نامه را بشنود و آن‌ها در ثوابش شریک شوند.

نکته‌ای که از آن موقع یادم می‌آید این است که فضای روضه منوره به خاطر همه‌جمعیت و همین زیارت‌نامه‌خوانی، صدا به صدا نمی‌رسید. تصور کنید ۱۵-۱۰ نفر هر کدام به لحنی، با صدای بلند زیارت‌نامه بخوانند. هر کسی ۶-۵ نفر دورش بودند. او بلند بلند زیارت‌نامه می‌خواند و این‌ها هم با او تکرار می‌کردند. صدای همه‌همه زائران و ناله و تضرعشان را هم اضافه کنید. برای همین هم در فضای روضه منوره صدا به صدا نمی‌رسید.

● سنت شاهانه نقاره‌زدن

در تمام دربارها نقاره‌زدن رسم بوده. این یک سنت شاهانه است. ما، حضرت رضا(ع) را سلطان می‌دانیم. از ایشان با عنوان سلطان علی بن موسی الرضا(ع) یاد می‌کنیم. این هم ریشه در باورهای کهن ما دارد. ما حضرت امام علی(ع) را هم شاه می‌دانیم. امام حسین(ع) را هم شاه شهیدان می‌دانیم.